

رهیافتی به آموزش حفظ میراث فرهنگی به عنوان رکن توسعه پایدار، به کودکان ۹ تا ۱۲ سال

سمیرا رضائی*، محسن افشاری^۲

چکیده

کشور ایران دارای فرهنگی غنی با پیشینه‌ی تاریخی و عمیق است که وظیفه پاسداری و حفاظت از آن علاوه بر سازمان‌ها و نهادهای دولتی به دوش تک‌تک ایرانیان است. این میراث سینه‌به‌سینه به ارث رسیده است و باید از کودک تا بزرگسال در حفظ این گنجینه گران‌بها کوشا بود. از این میان کودکان به‌عنوان راولیان سال‌های آینده نیازمند آشنایی بیشتر با اصالت خود و نیاکانشان هستند، بنابراین آشنا کردن آن‌ها با میراث فرهنگی گامی مهم و ارزشمند جهت آشنایی آن‌ها با میراث کهن سرزمین است. از آنجا که آموزش از ارکان اصلی توسعه فرهنگی پایدار است، ضرورت دارد که راه‌های آموزش به کودکان را شناسایی کنیم و هوشمندانه راه مناسب جهت برقراری ارتباطی عمیق میان کودکان و تاریخ به کار بسته شود تا بتوان همیارانی را برای میراث گران‌بهای کشور تربیت نمود. این مقاله تلاش دارد با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تعریفی از میراث فرهنگی بپردازد و اهمیت حفظ این میراث ارزشمند را بررسی نماید و همچنین به بررسی نقش کودکان در حفظ میراث گران‌بها و راه‌های آموزشی مؤثر به آن‌ها در این راه بپردازد. با توجه به ماهیت تحقیق، از روش تحقیق کیفی با نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و از تکنیک‌های گردآوری داده‌ها از طریق مطالب کتابخانه‌ای، پرسشنامه و مصاحبه بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر این است که میراث فرهنگی دستاوردهایی از نیاکان است که هویت جامعه را می‌سازد و برای نهادینه کردن فرهنگ حفاظت از این میراث گران‌بها، کودکان سهم بیشتری خواهند داشت چراکه آن‌ها سرمایه‌داران آینده هستند و باتربیت کودکان در این زمینه می‌توان افراد مرتبط با آن‌ها را نیز در اجرای این امر مهم سهیم نمود و با شناساندن هرچه بیشتر این میراث گران‌بها و ارزش وجودی آن‌ها به کودکان، می‌توان پاسداری وفادار را جهت حفظ این دستاوردها تربیت نمود.

واژه‌های کلیدی

میراث فرهنگی، کودکان، آموزش، پیشینه‌ی تاریخی ایران.

۱- کارشناس ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان پیشرو، اصفهان.

۲- استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.

* - نویسنده مسئول: s.rezaei35@yahoo.com

مقدمه

هنر ارزشمندی که در ادوار تاریخی تبلور یافته است نیازمند حفاظتی بی‌انتهای و بی‌وقفه است. البته اشتیاق به نگهداری میراث تاریخی امروزه تقریباً در هر گوشه از جهان نمایان است. با وجود این و به رغم پیشرفت‌های چشمگیر در فن‌آوری نگهداری این گونه آثار از یک سو، افزایش آگاهی مردم و مسئولان و رشد فزاینده بودجه حفظ و نگهداری آثار تاریخی از سوی دیگر به جرئت می‌توان گفت امروزه میراث تاریخی بشر بیشتر از هر زمان دیگری در معرض خطر قرار دارد و باید جهت حفظ این میراث چاره‌ای اندیشید و با تکیه بر مهارت‌های سنتی و آگاه‌سازی مردم به‌ویژه قشر کودک از توانایی‌ها و مهارت‌هایشان در راستای حفظ این آثار ارزشمند گامی برداشت. آموزش در دوران کودکی از نظر سهولت‌پذیری آن‌ها از محیط آموزشی، دوام بیشتر آموخته‌ها و تخریب مشکل‌تر داده‌ها حائز اهمیت است که البته این اقدام نیازمند شناسایی هرچه بیشتر و بهتر کودکان و ارائه راه‌های آموزشی صحیح به کودکان است. از آنجایی که انجام این کار نیازمند همکاری کودکان با یکدیگر است و طبق نمودار رشد کودکان شروع انجام کارهای گروهی در کودکان از سن ۹ سالگی آغاز می‌شود (مفیدی ۱۳۸۳). گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال برای این کار در نظر گرفته شده است. این نوشتار که باهدف رسیدن به ایده‌ها و راه‌هایی جهت ارتقاء آموزش تاریخ و حفظ میراث فرهنگی به کودکان است، تلاش دارد تا بایان تعریفی از میراث فرهنگی، راه درست برقراری ارتباط میان کودکان و تاریخ را شناسایی کند و به ارائه راه‌هایی جهت آموزش به آن‌ها در راستای حفظ این میراث گران‌بها بپردازد. این تحقیق بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و با روشی توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است که البته در این زمینه محدودیت کمبود منابع وجود دارد. این مقاله در چهار بخش اصلی تدوین گردیده است. بخش اول به تعریفی از میراث فرهنگی و اهمیت حفظ این میراث می‌پردازد. در بخش دوم، اهمیت آموزش به کودکان، اهداف آموزشی و رشد و پرورش همه‌جانبه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم اهمیت راهکارهای آموزش تاریخ به کودکان پرداخته شده است و در بخش چهارم تحلیلی از حفظ میراث فرهنگی توسط کودکان ارائه گردیده است. از این تحلیل چنین می‌توان نتیجه گرفت که میراث فرهنگی دستاوردهای گران‌بهای گذشتگان است و همه اقشار باید در حفظ آن کوشا باشند و از این میان کودکان چون دارای اذهان پاک هستند بسیار راحت‌تر پذیرای آشنایی و درک این میراث

گران‌بها هستند و می‌توان با سرمایه‌گذاری روی آن‌ها مدافعانی را برای حفظ آینده این میراث تربیت نمود.

میراث فرهنگی

میراث فرهنگی مقوله وسیعی را دربر می‌گیرد که ما را به شناخت آنچه هستیم و آنچه باید باشیم رهنمون می‌سازد و در حقیقت هویت و شناسنامه یک ملت را تشکیل می‌دهد. به تعبیری میراث فرهنگی کلیه آثار به‌جامانده از گذشتگان است که به نحوی برای شناسایی زندگی گذشتگان و سیر تکامل و تشکیل تمدن‌ها به‌عنوان اسناد و مدارک، گزینش و انتخاب و نگهداری می‌شوند و شامل آثار تاریخی منقول و غیرمنقول می‌باشد. جامع‌ترین تعریف از میراث فرهنگی در هفدهمین جلسه کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۷۲ در پاریس ارائه شده است، بر اساس این تعریف که در حقیقت مربوط به میراث فرهنگی غیرمنقول است تقسیم‌بندی آثار، مجموعه‌ها، محوطه‌ها، به شکل زیر عنوان شد:

آثار: شامل آثار معماری، مجسمه‌سازی یا نقاشی در بناها، عوامل و بناهایی که جنبه باستانی دارند و نیز کتیبه‌ها و غارها و مجموع عواملی که از نظر تاریخی، مذهبی و علمی دارای ارزش جهانی هستند.

مجموعه‌ها: شامل بناهای مجزا یا مجتمع که از نظر منحصربه‌فرد بودن معماری و نیز بسته به موقعیت آن‌ها در یک منظره طبیعی به لحاظ تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی هستند.

محوطه‌ها: شامل آثار انسانی یا آثاری که توأمان به‌وسیله انسان و طبیعت ایجاد شده است و نیز محوطه‌های باستانی که به لحاظ تاریخی، زیبایی‌شناسی، ژئاد شناسی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند (توحیدی ۱۳۸۰).

میراث فرهنگی منقول به جنبه‌های غیر فیزیکی یک فرهنگ گفته می‌شود و اغلب آداب و رسوم جامعه در یک دوره زمانی را دربر می‌گیرد یا راه و روش رفتار در جامعه که معمولاً قوانین رسمی عمومی برای کارکرد در یک فضای فرهنگی خاص هستند. به عبارت دیگر میراث معنوی شامل بخشی از فرهنگ ماست که به شکل شفاهی و سینه‌به‌سینه به ما به ارث رسیده است (کاظمی ۱۳۹۳). در ماده یک قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۶۴، میراث فرهنگی چنین تعریف شده است: میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد و شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید (توحیدی ۱۳۸۰).

اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی

کشورها کارشناسان خبره با حمایت کامل دولت‌ها و بهترین امکانات سعی در مرمت و نگهداری آثار تاریخی دارند، چراکه آنان عقیده دارند که حفظ این گنجینه‌های ارزشمند و مراقبت از آنها نه تنها اتلاف وقت و ثروت کشور نیست، بلکه این امر را وظیفه خود دانسته و حتی آن را امری درآمدزا می‌دانند (رفیعی ۱۳۹۳).

از طرفی نگاهی به تاریخ کشورمان نشان می‌دهد که حفظ میراث فرهنگی در ایران حداقل به پانصد سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. زمانی که داریوش در کنیبه‌ای از آیندگان می‌خواهد که آنچه او به‌جای گذاشته را تخریب نکنند. ایرانیان در ادوار مختلف برای حفظ میراث فرهنگی خود به شیوه‌های گوناگون متوسل می‌شدند به‌عنوان مثال اقدامی مانند «وقف» نیز نقش عمده‌ای در حفظ میراث فرهنگی و مذهبی داشته است. در سال ۱۳۴۲ وزارت فرهنگ و هنر به دولت اضافه شد و همین امر باعث تأسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در سال ۱۳۴۵ شد که وظیفه‌ای تخصصی برای مرمت احیای بناها و مجموعه‌های تاریخی کشور داشت. کشور ایران با داشتن حجم عظیمی از آثار تاریخی و فرهنگی جزو ۱۰ کشور نخست دنیا از لحاظ جاذبه‌های گردشگری شناخته شده است. حفظ و نگهداری این گنجینه‌ها که افتخار ملی محسوب می‌شوند بخشی از وظایف سازمان میراث فرهنگی کشور است که البته با داشتن منابع محدود مالی و انسانی و امکانات حفاظتی اندک قدرت انجام کامل چنین وظیفه‌ای را ندارد (حیدری ۱۳۸۷).

سپردن حفاظت به یک سازمان و شانه خالی کردن سایر شهروندان امری نادرست است و نتیجه‌اش همان است که امروز با آن روبرو هستیم. این شهروندان یک جامعه هستند که میراث‌داران واقعی این آثار به شمار می‌روند و زمانی که نسبت به اهمیت حفظ و نگهداری آن‌ها آگاه شوند خود حافظ میراث فرهنگی و طبیعی می‌شوند. مشکل اینجاست که همواره نقش مردم در حفظ میراث فرهنگی نادیده گرفته می‌شود و تاکنون به‌طور جدی نهادهای فرهنگی و آموزشی برای وارد کردن مردم در میدان حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی تلاش مؤثری نکرده‌اند. باوجود این همه آثار تاریخی اگر هر کشوری به‌جای ایران بود به کودکان از سنین پایین در خصوص اینکه در کشور چه آثاری هست، اهمیت وجود اثر تاریخی چیست، وجود آثار تاریخی چه اهمیت و منفعتی برای وی و دیگران دارد و صدها موضوع مشابه آموزش داده می‌شد. به‌راستی که اگر امروز در رابطه با حفظ و نگهداری و آموزش میراث فرهنگی غفلت کنیم چگونه می‌توانیم به آیندگان پاسخ دهیم. اگر کودکان ما با هویت و تاریخ خود آشنا نباشند، چگونه می‌توانند در مقابل

با استناد به مواردی از منشور آتن باید گفت که میراث فرهنگی شواهد گران‌قیمتی است از گذشته که بیش از هر چیز دیگر به لحاظ ارزش تاریخی و احساسی آن‌ها و بعد به خاطر اینکه در بعضی از آن‌ها ارزش‌هایی نویی یافت می‌شوند که به نحوی بهترین بیان‌کننده ابداع انسان هستند، می‌باید مورد احترام قرار گیرند. این‌ها بخشی از میراث بشری هستند و وظیفه نگهداری از آن‌ها را به عهده‌دارند و الزام دارند تا این ارثیه شریف را بدون دخل و تصرف به آیندگان ارائه دهند (توحیدی ۱۳۸۰). قطعنامه و نیز در مورد حفظ و مرمت میراث فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۴ شاهکارهای تاریخی ملل، بازگوکننده پیام معنوی گذشته بوده و در زندگی امروز شاهد زنده و گویایی از سنن باستانی می‌باشند. بشریت که هرروز بیشتر مرتبه و ارزش انسانی را درک می‌کند این آثار را به‌منزله میراث عموم مردم به شمار آورده و خود را مکلف می‌داند که با اقدامات لازم در مورد احیا و نگهداری این ابنیه، آن‌ها را در کمال اصالت به دست نسل‌های آینده بسپارد (توحیدی ۱۳۸۰).

از دیدگاهی دیگر حفظ آثار می‌تواند به اعتبارسنجی خاطرات گذشتگان کمک کند. امروزه روش‌های رایانه‌ای می‌تواند با دقت بسیاری شکل و ظاهر آثار اکتشافی را به دست آورد و داده‌های بسیاری را از شیوه زندگی گذشتگان ارائه کند. متأسفانه بیش‌ترین خطری که آثار باستانی را تهدید می‌کند از سوی گردشگران است. صدمات و لطماتی که توسط بعضی افراد ناآگاه به آثار ملی و تاریخی وارد می‌گردد، افرادی که این آثار را مشتی سنگ بی‌ارزش می‌پندارند و نوشتن یادگاری و شکستن آن‌ها را امری عادی و تفریحی تلقی می‌کنند. بارها پیش آمده که در هنگام بازدید از ابنیه و سایت‌های تاریخی شاهد بوده‌ایم که چطور کودکان بر روی آثار تاریخی چون سرستون‌ها و مجسمه‌ها گذاشته می‌شوند تا از آن‌ها عکس گرفته شود. بزرگ‌سالان بر روی درودیوار نامشان را حک می‌کنند و به قول خودشان یادگاری می‌نویسند. در موزه‌ها به تابلوهای دست‌زدن و عکاسی ممنوع توجهی نمی‌شود و هم‌چنین حفاری‌های غیرمجاز و مخفیانه در سایت‌های باستانی امری طبیعی شده است. وضعیت میراث طبیعی حتی بدتر است. خشک شدن دریاچه‌ها، تالاب‌ها و رودخانه‌ها، زباله‌های کنار دریا و کوه‌ها، نابودی جنگل‌ها برای ویلاسازی و جاده‌سازی و مثال‌های بسیار دیگری که همگی مبین بی‌توجهی شهروندان نسبت به حفاظت این میراث است، که بعضاً قابل‌جبران نمی‌باشد. این‌گونه مسائل تأسف‌آور در کشور ما در حالی صورت می‌گیرد که در کشورهای دیگر برای حفظ آثار ملی و تاریخی تلاش فراوانی صورت می‌گیرد. در بسیاری از

همچمه پایان‌ناپذیر تبلیغاتی رسانه‌های غربی برای پذیرش فرهنگ بیگانه مقاومت داشته باشند.

ناآشنا بودن مردم خصوصاً جوانان و کودکان با گذشته و تاریخ نیاکان خود، یکی از عوامل بی‌ریشه بودن و بی‌هویتی در جامعه بوده که عواقب ناگوار آن گریبان‌گیر همگان می‌شود تا زمانی که افکار عمومی مردم را برای حفظ آثار تاریخی بکار نبریم توجه به هر نوع قانون و اعتبار بی‌نتیجه خواهد بود. جدای از توجه مسئولین به این اماکن و آثار، فرهنگ‌سازی بین مردم جهت حفاظت و نگهداری از این اماکن از اهمیت خاصی برخوردار است که این اطلاع‌رسانی و تبلیغ و ترویج این امر یاری و مساعدت قشر تحصیل کرده و فرهنگی را می‌طلبد. لذا نهادینه شدن فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی از نیازهای پایه‌ای و ضروری در ایران به شمار می‌رود. فرهنگی که باید از کودکی آموزش داده شود تا در ذهن و باور شهروندان نقش ببندد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. مقطع ابتدایی مهم‌ترین مقطع تحصیلی به شمار می‌رود. دوره‌ای که پایه‌های شخصیت انسان در آن شکل می‌گیرد و در نتیجه تدوین درسی درزمینه میراث فرهنگی می‌تواند نقش به‌سزایی در ایجاد و توسعه فرهنگ حفاظت داشته باشد و نه تنها اثرات مثبت این آموزش‌ها در ذهن کودک نقش می‌بندد بلکه به‌واسطه آن‌ها والدین و سایر اعضای خانواده نیز آگاه شده و ملزم به رعایت می‌شوند.

اهمیت آموزش به کودکان

اهمیت آموزش در دوران کودکی را از دو جنبه مدنظر قرار داده‌اند یکی حساسیت و سهولت اثرپذیری کودکان از محیط‌های آموزشی می‌باشد و دیگری دوام تأثرات و عمق یادگیری‌های آن‌ها در این دوران است، بنابراین آنچه در سنین اولیه آموخته می‌شود هم پایداری بیشتری دارد و هم تخریب و از بین بردن آن مشکل است. در این باره روایت داریم که: «علم در کودکی مانند نقش در سنگ است»^۱. آموزش در دوران کودکی مورد توجه طیف وسیعی از صاحب‌نظران بوده است. از جمله متفکرین پیش‌قدم در قرن‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ میلادی عقیده داشتند اگر آموزش از سنین اولیه آغاز شود بسیاری از مسائل اجتماعی حاد پدید نخواهد آمد. افلاطون نیز اشاره دارد «آموزش دوران اولیه کودکی امری اجتماعی است و باید در این سنین کودکان را از والدینشان جدا کرد و جهت مراقبت و تعلیم به مؤسسات اجتماعی سپرد» (مفیدی ۱۳۸۳). می‌توان به‌اجمال اهداف آموزشی دوره کودکی را بر اساس طبقه‌بندی بلوم^۲ به سه دسته تقسیم نمود:

- اهداف آموزشی حوزه شناختی: به‌طور کلی در حوزه روانشناسی کودک، حوزه شناختی دربرگیرنده مجموعه دانش، معلومات، توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی است، به عبارتی به جریان‌هایی که با ذهن و اندیشه کودک سروکار دارد، مربوط می‌شود. طبق نظر بلوم و همکارانش این حوزه دارای سلسله‌مراتبی است که در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول (۱). سلسله‌مراتب بلوم در حوزه شناختی
منبع: (Bloom 1956)

دانش	شامل اطلاعات منفرد، روش‌ها و جریان عمل‌ها، مفاهیم و اصول و قوانین عام
فهمیدن	شامل درک اصول و مفاهیم، تفسیر متون، نمودارها و تصاویر
به کار بردن یا بکار بستن	شامل کاربرد مفاهیم و قوانین در موقعیت‌های جدید، کاربرد قوانین و نظریه‌ها در موقعیت‌های عملی، تبدیل متن نوشتاری به فرمول‌های ریاضی، تهیه جداول و نمودار، نمایش روش صحیح انجام یک کار
تحلیل	شامل پی بردن به مفروضات بیان‌نشده یک متن، پی بردن به تناقضات موجود در یک استدلال، تمییز حقایق از حدسیات، تخمین میزان ارتباط اطلاعات، تجزیه ساختار محتوایی یک کار (هنری، موسیقی، شعر)
ترکیب	شامل نوشتن یک متن کاملاً منسجم، ارائه یک سخنرانی کاملاً سازمان‌یافته، ترکیب یادگیری‌های متفرقه به‌منظور حل مسئله با مشکل، ارائه چارچوب جدیدی برای تقسیم‌بندی اشیاء، پدیده‌ها یا حوادث
ارزشیابی	شامل قضاوت درباره استحکام منطقی متون، قضاوت درزمینه‌ی میزان ارتباط بین اطلاعات و نتیجه‌گیری، قضاوت درباره انجام کار با استفاده از معیارهای درونی، قضاوت درزمینه‌ی ارزش یک کار (هنری، موسیقی، متن) با استفاده از معیارهای بیرونی

- اهداف آموزشی حوزه عاطفی: حوزه عاطفی شامل ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که رفتار کودک را در مرحله اول هدایت و سپس آگاه می‌نماید و درنهایت می‌پذیرد. این حیطه که دارای اهدافی چون کمالات و تربیت صحیح می‌باشد که به شرح ذیل می‌باشد:

- دریافت کردن: حساسیت کودک نسبت به وجود بعضی پدیده‌ها و توجه به آن‌ها.

تجربه‌های کودک و تعامل او با محیط متنوع‌تر باشد، وضوح و میزان مفاهیمی که در او پرورش می‌یابد بیشتر و وسیع‌تر خواهد بود این‌گونه مفاهیم شناخت وی را نسبت به محیط افزایش می‌دهد و او را برای تفکر منطقی بهتر مجهز می‌کند (مفیدی ۱۳۸۳).

پس می‌توان طبق تعریف ارنست راپیکت هیلگارد و مارکویز گفت: یادگیری عبارت است از تغییر نسبتاً پایدار در احساس، تفکرات و رفتار فرد که بر اساس تجربه ایجاد شده باشد. رفتارگرایی از قبیل جان واتسون و اسکینر سرشت انسان را انعطاف‌پذیر می‌دانستند و معتقد بودند که در رشد، یادگیری نقش اصلی را ایفا می‌کند، چنانکه آموزش اولیه می‌تواند صرف‌نظر از آنچه کودک از استعدادها، تمایلات، علاقه‌ها، توانایی‌ها، نژاد و اجداد به ارث برده، او را به هر نوع بزرگ‌سالی تبدیل کند (سیف ۱۳۸۸). پس برای آنکه یادگرفتن به بهترین نحو صورت گیرد، باید حداقل، عوامل یا شرایط زیر که معمولاً تحت عنوان پیش‌نیاز یادگیری مطرح می‌شود وجود داشته باشد: ۱- هدف وجود داشته باشد. ۲- انگیزه برای یادگرفتن وجود داشته باشد و ادامه یابد (انگیزه پایدار باشد). ۳- به مواد آموزشی توجه و دقت کافی بشود. (مصاحبه با مریان کانون مورد بررسی توسط نگارنده).

اهمیت آموزش تاریخ به کودکان

کودکان باید بدانند از کجا می‌آیند دارای چه گذشته‌ای بوده‌اند و چه میراثی از نسل‌های گذشته برای آن‌ها به‌جای مانده است. کودکان به کمک تاریخ می‌توانند روابط دنیای مدرن را درک کنند آن‌ها درمی‌یابند که چگونه امروز تحت تأثیر دیروز شکل گرفته است و چه درس‌هایی برای آینده دارد، تنها با آگاهی از تاریخ و سنجش حال با گذشته، تفکر انتقادی در آن‌ها شکل می‌گیرد.

تاریخ کودکان را تشویق به مشاهده دقیق می‌کند. موضوع‌های تاریخی از دیدگاه سرشتی برای کودکان جالب هستند و می‌توانند کنجکاوی آن‌ها را برانگیزانند و آن‌ها را به مشارکت فعال دریافتن و گردآوری داده‌های تاریخی و پیوند با نسل‌های پیش تشویق کنند از این‌رو آموزش تاریخ می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای در رشد عقلانی، اجتماعی و اخلاقی کودکان و نوجوانان داشته باشد. برای آنکه کودکان در سنین بالاتر با موضوع‌های تاریخی از جمله میراث فرهنگی علاقه نشان دهند و تاریخ را پایه‌ای برای سنجش حال با گذشته و آینده قرار دهند، باید از همان سنین کودکی مریان فعالیت‌هایی را در این زمینه تدارک ببینند. به‌طور کلی می‌توان گفت آموزش مفاهیم و انتقال اطلاعات به کودکان هنگامی می‌تواند مؤثر و پایدار باشد که روند

- پاسخ دادن: کودک، علاوه بر توجه کردن به محرک‌ها، نسبت به آنچه می‌بیند یا می‌شنود، فعالیت نیز می‌کند، یعنی فعالانه به آن پاسخ می‌دهد.

- ارزش‌گذاری: ابزار عقیده با نگرش کودک، نسبت به یک چیز. در واقع، رفتار معرف این طبقه، دارای ویژگی باور یا نگرش است.

- سازمان‌دهی: ارزش‌ها در کودک به صورت یک نظام، سازمان‌دهی می‌شود و روابط آن‌ها مشخص می‌گردد.

- شخصیت‌پذیری: تبدیل نظام ارزشی کودک به صورت یک سبک زندگی یا ویژگی‌های شخصیتی.

مفاهیم و معانی در نگاه کودکان امری متفاوت از بزرگ‌سالان است. چراکه آن‌ها با تماشای هر پدیده‌ای و یا شنیدن هر آوایی، از کنار آن به راحتی می‌گذرند، درحالی‌که کودک، درصدد کشف آن پدیده و جستجوی رمز و راز چگونگی آن برخیزد. پس هر چیز به‌ظاهر ساده‌ای می‌تواند به معمای پررمزوراز برای کودک تبدیل شود.

- اهداف آموزشی روانی و حرکتی: حوزه روانی حرکتی، شامل توانایی‌ها و مهارت‌های حرکتی می‌شود مانند مهارت‌های کلامی، مهارت‌های انجام فعالیت‌های روزمره، مهارت‌های حرفه‌ای و...

به دنبال تقسیم‌بندی فوق در حیطه شناختی و عاطفی سیمپسون^۳ به طبقه‌بندی اهداف آموزشی در حیطه روانی - حرکتی پرداخت. طبقه‌بندی وی به‌طور اجمال عبارت است از:

- دریافت (آگاهی از اشیاء و کیفیت آن‌ها): شامل تحریک حسی، انتخاب علامت، تبدیل درک به عمل

- آمادگی (آمادگی و تطبیق برای انجام یک عمل خاص): شامل آمادگی ذهنی (اطلاع از مراحل مختلف در انجام کار) آمادگی بدنی، آمادگی روانی (میل به کارگیری ابزار در انجام کار)

- پاسخ هدایت‌شده (رفتاری که زیر نظر مربی انجام شود)

- خودکار شدن عمل (رفتار یادگرفته‌شده به‌صورت عادت درمی‌آید)

- تطبیق و ابداع (تغییر رفتار با توجه به تغییر وضعیت)

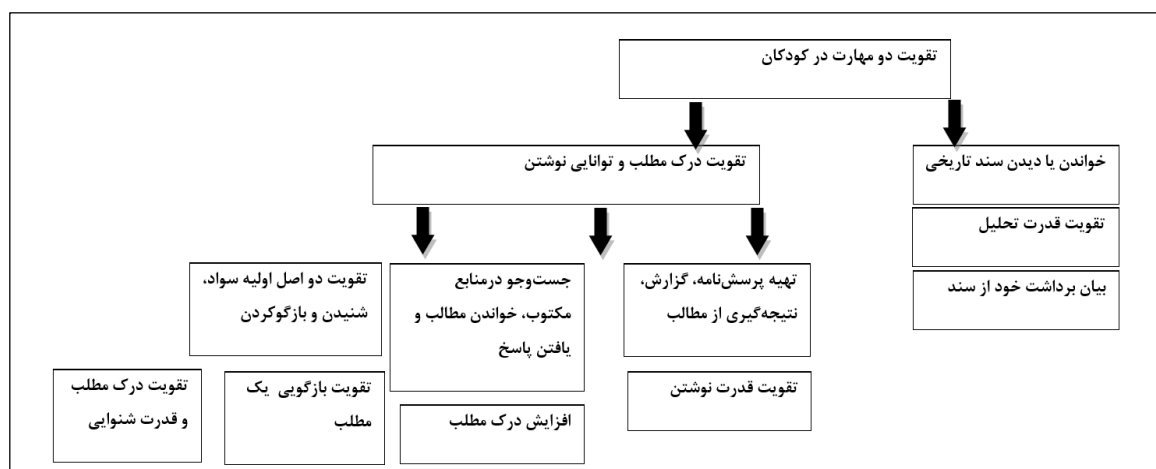
از آنجاکه دوره کودکی دوره تربیت و پرورش ذهنی و رشد جسمانی کودک است، پس با توجه به دسته‌بندی فوق، هر سه دسته در فرایند آموزش و تربیت کودک مهم است (خیرالسادات ۱۳۹۳). هم‌چنین در راستای آموزش صحیح به کودکان یادگیری طبق دیدگاه‌های مختلف بیان می‌شود: ماریا مونتسوری می‌گوید که کودک، دانش درباره محیط را اساساً از طریق حواس خود کسب می‌کند، بنابراین تربیت هر یک از حواس پنج‌گانه برای کودکان ضروری است (مفیدی ۱۳۸۳). ژان پیاژه اشاره می‌کند که هر چه

ازلحاظ لغوی واژه مسئولیت به معنای توانایی پاسخ دادن و در عرف به مفهوم تصمیم‌گیری‌های مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم‌گیری مناسب آن است که کودک در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود دست به انتخابی بزند که موجب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود. لازم است کودکان از نیازها و هدف‌های خویش آگاه باشند، او زمانی فردی مسئول به شمار می‌آید که با در نظر گرفتن هدف‌های خویش و نیازهای سایرین عمل نماید. جهت آموزش مسئولیت به کودکان باید پاداشی در مقابل رفتار مسئولانه‌شان به آن‌ها داد تا توانایی مسئول بودنشان را گسترش دهند آن‌ها به تدریج پی می‌برند انجام مسئولیت و احساس خوشی ناشی از آن به هم وابسته‌اند، که البته کمک به کودکان برای انجام مسئولیت وظیفه عمده بزرگ‌ترهاست. کودک از نخستین روز زندگی تا بزرگ‌سالی باید قابلیت مسئولیت خویش را افزایش دهد. او از طریق کنش‌های متقابل با والدین، معلمان و همسالانش به اهمیت مسئول بودن پی خواهد برد. آموزش مسئولیت به کودکان آنان را قادر می‌سازد که از خویششان مراقبت کنند و در آینده به‌عنوان بزرگ‌سالان مسئول، وظایف خویش را بر عهده گیرند. کودکان انعطاف‌پذیرند و همان‌گونه بار می‌آیند که ما می‌پروریم، بنابراین می‌توان با آموزش تاریخ و مسئولیت حفاظت از میراث فرهنگی به آن‌ها مسئولانی را برای آینده میراث و تاریخ کشور تربیت نمود (علی پور ۱۳۸۶).

آموزش به آن‌ها روندی دوسویه باشد. بدین معنی که امکاناتی برای دانش‌آموزان فراهم شود که آن‌ها بتوانند با مراجعه به منابع گوناگون یا انجام فعالیت‌هایی درزمینه‌ی آن موضوع، خود فعالانه در یادگیری مفاهیم و اطلاعات شرکت کنند. بی‌گمان آموزگاران، مربیان، والدین که می‌خواهند در این زمینه برای کودکان برنامه‌ریزی کنند در گام اول باید خود به‌دقت مجموعه کتاب‌های تاریخی و میراث فرهنگی را مطالعه کرده باشند. در گام دوم می‌توانند بر پایه دانش خود و بهره گرفتن از فعالیت‌های پیشنهادی، فعالیت‌های کارا و سودمند برای این گروه سنی تدارک ببینند (قائینی ۱۳۸۵). در این راستا باید دو مهارت را در کودکان تقویت نمود که در ادامه آن مهارت‌های دیگری نیز در کودکان ایجاد یا تقویت خواهد شد (شکل ۱).

مسئولیت‌پذیری در کودکان

از دیگر مواردی که باید در این زمینه در کودکان تقویت نمود مسئولیت‌پذیری است. به‌طور کلی مسئولیت‌پذیری یعنی قابلیت پذیرش و به عهده گرفتن کاری که از کسی خواسته شده است، می‌توان دو نوع مسئولیت‌پذیری را مشخص کرد: مسئولیت‌پذیری شخصی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی. مسئولیت‌پذیری شخصی و خانوادگی، وظایف شخصی اولیه‌ای هستند که بیشتر کودکان خودشان در سنین پایین انجام می‌دهند، مثل مسواک زدن، شستن دست‌ها و لباس پوشیدن. برخی والدین انجام این وظایف را کافی می‌دانند، اما باید به کودکان وظایفی درباره کارهای خانه نیز محول کرد تا علاوه بر مسئولیت‌پذیری شخصی و خانوادگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز بیاموزند و در مقابل دیگران احساس مسئولیت داشته باشند.



شکل (۱). تقویت دو مهارت در کودکان
منبع: (نگارندگان)

روش تحقیق

نتایج و بحث

با توجه به ماهیت اکتشافی مسئله و چارچوب نظری پژوهش که مربوط به دریافت رهیافتی به آموزش حفظ میراث فرهنگی به کودکان ۹ تا ۱۲ سال می‌باشد، از روش تحقیق کیفی با نمونه‌گیری نظری هدفمند استفاده شده است. از جهتی دیگر، پژوهش کیفی راهی برای رسیدن به محتوای ذهنی افراد است (رنجبر و دیگران ۱۳۹۱). که در این پژوهش محتوای ذهنی کودکان برای درک میراث فرهنگی در جهت یافتن رهیافتی برای حفظ این میراث اهمیت داشت. در پژوهش کیفی، نمونه‌گیری با پژوهش کمی تفاوت بسیار دارد، زیرا هدف آن به‌جای تعمیم‌یافته‌ها، درک عمیق از پدیده مورد بررسی است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی باهدف دستیابی به بیشترین اطلاعات درباره پدیده مورد بررسی انجام می‌شود. لذا در پژوهش کیفی، نمونه‌های پژوهش انتخاب یا دعوت می‌شوند. نمونه‌گیری هدفمند که نمونه‌گیری غیر احتمالی، هدف‌دار یا کیفی نیز نامیده می‌شود، به معنی انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهش برای کسب اطلاعات یا دانش است. استفاده از روش اشباع داده در پژوهش‌های کیفی به‌عنوان استاندارد طلایی پایان نمونه‌گیری در نظر گرفته می‌شود (رنجبر و دیگران ۱۳۹۱). اما طی پرسشنامه‌ای مشخص گردید که در این زمینه کودکان اطلاعات کافی ندارند و برای انجام این پژوهش به‌جای مصاحبه با کودکان مصاحبه‌ای با مربیان و مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در اصفهان شعبه پل فلزی صورت گرفته است. علت انتخاب این مرکز به‌عنوان نمونه موردی تحصیلات آکادمی برخی مربیان مجموعه درزمینه‌ی مرمت و بازسازی، اطلاعات آن‌ها و فعالیت‌هایی که در این زمینه برای کودکان انجام می‌دهند ازجمله قصه‌گویی و ماکت‌سازی و بازدید از میراث موجود و... بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها از طریق مطالب کتابخانه‌ای، پرسشنامه و مصاحبه با مربیان کانون می‌باشد.

پرسشنامه ارزیابی شناخت کودکان از تاریخ و میراث فرهنگی به‌منظور ارزیابی شناخت آن‌ها از تاریخ و میراث فرهنگی تهیه شده است.

سؤالات در این پرسشنامه در سه دسته سنجش شناخت، علاقه و امکانات در راستای موضوع موردنظر (آشنایی با تاریخ و حفظ میراث فرهنگی) می‌باشد. این پرسش در سطح مدارس دخترانه ابرار فلورجان اصفهان، پسرانه علوی کلیشاد و پسرانه قرنی یزد آباد در استان اصفهان که به‌صورت رندم و اتفاقی انتخاب شده است توزیع و یافته‌های آن موردبررسی قرار گرفت:

طبق پرسشنامه تکمیل شده توسط مربیان کانون پرورش فکری کودکان در مورد یادگیری کودکان آن‌ها معتقد هستند که عدم یادگیری کودکان متأثر از عوامل مختلفی چون موارد زیر می‌باشد: هدف نداشتن برای یادگیری، نداشتن علاقه و دقت کافی به یادگیری مطلب موردنظر، وجود اشکالاتی در حواس کودک (بینایی، شنوایی و...) هم‌چنین وجود اشکالاتی در مسائل عاطفی کودکان مانند (اضطراب، ترس، نداشتن اعتمادبه‌نفس، وابستگی بیش‌ازاندازه به خانواده و...)

در مورد علت‌های عمده به یاد نیاموردن به عوامل زیر اشاره داشتند: یادگرفتن ناقص، نبودن محرک مناسبی برای به یادآوردن، سرکوب شدن اطلاعات کودک توسط دیگران، نداشتن انگیزه و علاقه برای یادآوری مطلب و گذشت زمان که باعث فراموشی اطلاعات به‌مرورزمان خواهد شد.

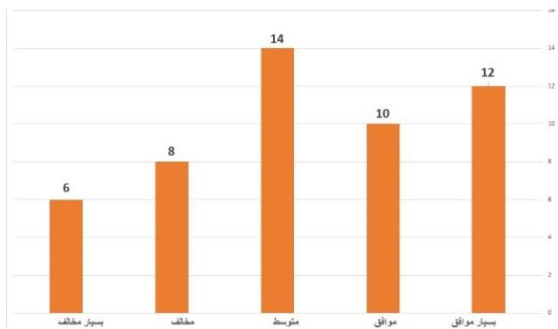
پس با توجه به موارد بیان شده مربیان معتقد هستند که برای یادگیری بهتر کودکان باید راه‌های برانگیختن علاقه آن‌ها را بررسی کرد و طبق این راه‌ها یادگیری را در آن‌ها منسجم نمود.

راه کارهای یادگیری بهتر کودکان

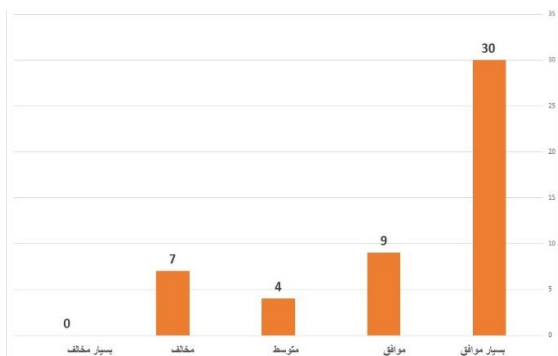
- روشن کردن محاسن آموختن و معایب نیاموختن برای کودکان در ابتدای کار
- مطرح کردن آموختنی‌ها به‌صورت جالب برای کودکان (طرح پرسش‌های جالب برای آن‌ها، آموزش مطالب به‌صورت مصور یا نمایشی،...).
- بهتر است کودک با آنچه می‌خواهد یاد بگیرد در تماس مستقیم و تجربه آن باشد.
- از کودکان خواسته شود تا آموخته‌هایشان را برای دیگران بازگو کنند.
- از کودکان خواسته شود تا برداشتشان از موضوع موردنظر را به گونه‌های مختلف (نقاشی، نمایش، کارت پستال، کاردستی و...) ارائه دهند.
- استفاده از بازی‌های مختلف و مناسب در یادگیری می‌تواند برای آن‌ها مهیج باشد و علاقه آن‌ها را برای یادگیری بیشتر کند.
- مربیان در مورد آشنایی کودکان با تاریخ و میراث فرهنگی اشاره داشتند که بچه‌ها در این گروه سنی آشنایی چندانی با تاریخ و میراث فرهنگی ندارند و تنها با نمونه‌های موردی اشاره شده در کتب درسی آشنا هستند از این رو بیان داشتند این آشنایی می‌تواند به طرق مختلف باشد:

موضوع از آن‌ها می‌باشند پس می‌توان از راهکارها به گفت‌وگو و پرس‌وجو توسط دانش‌آموزان اشاره داشت. هم‌چنین انجام فعالیت‌های نمایشی و تجسمی که به آن‌ها اشاره خواهد شد از جمله فعالیت‌هایی است که دانش‌آموزان خود را نسبت به آن مشتاق نشان داده و بسیار تمایل به انجام این امور دارند (شکل (۳)). علاوه بر موارد ذکر شده، از آموزش به صورت بصری نمی‌توان گذشت، همان‌گونه که دانش‌آموزان در پاسخ‌ها اشاره داشتند آن‌ها چندان از شهرهای تاریخی و موزه‌ها بازدید نکرده‌اند و با آداب و رسوم، لباس‌ها، فرهنگ‌ها، بناها و ... آشنایی ندارند (شکل (۴)). پس تدارک برنامه‌هایی برای بازدید از موزه‌ها، بناهای تاریخی، صنایع دستی و ... تأثیر بسزایی در آشنایی آن‌ها با این میراث و درک درست‌تر از اهمیت حفاظت این میراث به آن‌ها خواهد داد (شکل (۵)). بر اساس این یافته‌ها می‌توان راهکارهای پیشنهادی را به صورت جدول (۲) خلاصه نمود.

لازم به ذکر است راهکارهای ارائه شده ثابت نیستند، اما جامع‌اند، به طوری که می‌توانند در موقعیت‌های متنوعی استفاده شوند و با ویژگی‌های خاص و شرایط گوناگون منطبق گردند و مورد استفاده قرار گیرند.



شکل (۲). نظر کودکان در خصوص شناخت داشتن از میراث فرهنگی کشور
منبع: (نگارندگان)



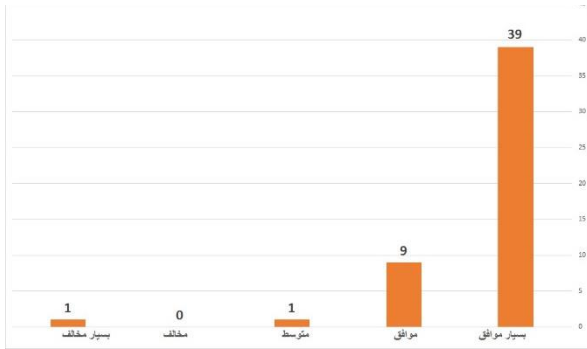
شکل (۳). نظر کودکان در خصوص علاقه به میراث فرهنگی
منبع: (نگارندگان)

- در ابتدا آشنایی کودکان با محیط‌های تاریخی و آثار هنری محل زندگی خود
- تشویق آن‌ها به تهیه آرشیوی از عکس‌های آثار هنری
- تشویق آن‌ها به حفظ نظافت در محل‌های باارزش فرهنگی و اجتماعی
- قصه‌گویی شبانه قبل از خواب در مورد تاریخ و میراث به‌جامانده
- ترسیم نقاشی با کودکان از بناها و آثار هنری
- تشویق آن‌ها به ساخت ماکت‌هایی از بناهای تاریخی جهت آشنا شدن آن‌ها با سختی کار سازنده و اهمیت حفاظت از آن‌ها
- بیان ارزش‌های میراث فرهنگی به زبان کودکان
- در مراحل ابتدایی مدرسه تدوین درسی در زمینه میراث فرهنگی در راستای آشنایی و توسعه فرهنگ حفاظت
- تشکیل شورا از کودکان و برگزاری جلسات مختلف بین آن‌ها و مسئولین حفاظت از میراث
- برگزاری اردوهای در راستای شناخت آثار تاریخی شهرهای مختلف که در این راستا می‌توان آن‌ها را با ارزش‌هایی آشنا کرد.
- تشکیل گروه‌هایی تحت عنوان همیاران میراث و محول کردن مسئولیتی به آن‌ها و حضورشان بالباس‌های مخصوص در ساعت‌های بازدید گردشگران از آثار هنری و هشدار دادن آن‌ها به بازدیدکنندگان زمان ارتکاب به تخلف (عکس برداری از مکان‌های ممنوع، ریختن زباله، دست زدن به آثار، یادگیری نوشتن، ...) چنین تجربه‌ای در اقدامات مشابه مانند همیار پلیس شدن کودکان، نشان داده است سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش کودکان درآمدت و پرسود است و آن‌ها بزرگسالان را نیز مجبور به انجام این وظایف خواهند کرد.

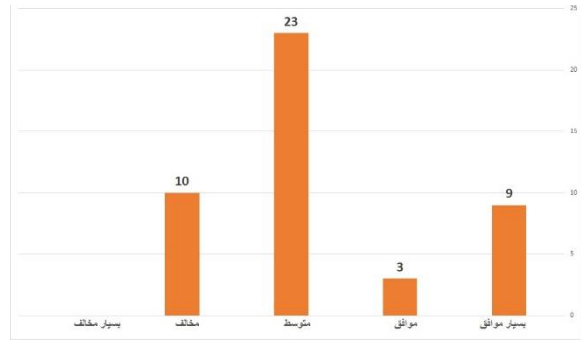
راهکارهای آموزش تاریخ به کودکان

با توجه به پرسشنامه‌ی تدوین شده برای کودکان که به موارد مختلفی اشاره دارد و هم‌چنین پاسخ‌هایی که کودکان به پرسش‌های مورد نظر داده‌اند، می‌توان راهکارهایی را برای آموزش تاریخ و هم‌چنین آموزش حفظ میراث فرهنگی پیشنهاد داد. راهکارهای ارائه شده بر اساس نیازها و درخواست‌های کودکان می‌باشد که به صورت زیر دسته‌بندی شده است.

طبق دسته‌سؤالات شناخت در مورد تاریخ و میراث فرهنگی درصد کمی از دانش‌آموزان با این میراث آشنا هستند شکل (۲) و به گفته آن‌ها و شواهد موجود کتاب‌های درسی تنها برای شناخت این امر کافی نمی‌باشد بنابراین آن‌ها نیازمند گفت‌وگو با افراد آگاه و پرسش درباره این



شکل (۵). نظر دانش‌آموزان در خصوص علاقه به شناخت میراث با بازدید از بناها و میراث شهرها
منبع: (نگارندگان)



شکل (۴). نظر دانش‌آموزان در خصوص آشنایی با آداب و رسوم شهرهای مختلف
منبع: (نگارندگان)

جدول (۲). راهکارهای پیشنهادی آموزش تاریخ به کودکان
منبع: (نگارندگان)

<p>* دعوت از افراد آگاه و کارشناسان به مدارس جهت پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان</p> <p>* گفت‌وگو در مورد شخصیت‌های مختلف و مهم تاریخی</p> <p>* اختصاص زمانی به قصه‌گویی در این رابطه برای کودکان</p> <p>* پرس‌وجو و گفت‌وگو در مورد نحوه شکل‌گیری تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، ... در ادوار مختلف و شهرهای مختلف</p> <p>* بررسی زندگی گذشتگان (فرهنگ، رسوم، زبان، خط، ارزش‌ها، بناها،...)</p> <p>* تشویق کودکان به جمع‌آوری اطلاعات در مورد تاریخ، میراث فرهنگی، رویدادهای تاریخی، فرهنگ‌ها، آداب،...</p> <p>* دعوت از هنرمندان، معماران سنتی، ... برای صحبت و بیان برخی تجربه‌ها و خاطرات به زبان کودکان</p> <p>* ایجاد کتابخانه‌های تاریخی و هنری و میراثی در مدارس و خانه‌ها.</p> <p>* برگزاری مسابقه بین دانش‌آموزان و پرسش از آن‌ها در مورد تاریخ و میراث</p>	<p>گفت‌وگو، پرس‌وجو، پژوهش</p>
<p>* تدارک برنامه بازدید از موزه‌های مختلف</p> <p>* تدارک اردوهای تفریحی، تاریخی و علمی از محله‌های شهر مبدأ گرفته تا اردو به شهرهای دیگر و آشنا شدن با مردم، آداب و رسوم، بناها و میراث موجود.</p> <p>* تدارک برنامه آشنایی با توریست‌ها و گردشگران و در صورت امکان صحبت با آن‌ها</p> <p>* استفاده از کودکان آموزش‌دیده به‌عنوان راهنمای گروه و صحبت کردن برای گروه‌های دیگر، جهت تشویق سایر دانش‌آموزان برای یادگیری این امر</p> <p>* انجام بازی‌های قدیمی حتی در شهرهای مختلف</p>	<p>گردشگری و بازدید</p>
<p>* اجرای نمایش‌های تاریخی به‌طور ادواری برای کودکان حتی توسط خودشان.</p> <p>* تحلیل عکس‌های تاریخی و نقاشی‌های روی سفال‌ها، بناها و ... توسط کودکان.</p> <p>* تشویق کودکان به تقلید از گذشته جهت ساخت ماکت، نوشته‌های خطی، نقاشی‌های موجود، جهت شناخت آن‌ها و توجه به‌سختی کار آن‌ها و اهمیت حفظ آن‌ها.</p> <p>* ایجاد فضاهای کارگاهی برای انجام فعالیت‌های مختلف (سفالگری، نقاشی روی سفال، مرمت سفال‌ها، مرمت نقاشی‌ها، صحافی کتاب‌ها، ساخت ماکت از بناها،...).</p>	<p>فعالیت‌های نمایشی، تجسمی و ساخت‌وساز</p>

نتیجه گیری

میراث فرهنگی دستاوردهایی به جامانده از نیاکان است، درایی‌ای که تأمین کننده ارزش فرهنگی هر ملتی است. حفاظت از این میراث گران بها وظیفه تک تک انسان‌هاست، و از دست دادن آن هویت بشر را با چالش مواجه می‌سازد، بنابراین مالک این میراث تنها یک فرد یا سازمان نیست بلکه تمام بشر در این گستره خاکی مالک دستاوردهای گران‌بهای پیشین هستند و از میان این میراث گران‌بها هنر معماری به عنوان یک جنبش پررونق حیات بشری رخ نمایانده و بناهای جاویدان را متأثر از فرهنگ ایرانی به نمایش گذاشته است. اگر قرار باشد حفاظت و پاسداری از این میراث در میان مردم نهادینه شود، باید از همان اوایل کودکی آن‌ها را با ارزش‌ها آشنا کرد زیرا در کودکی یادگیری آسان‌تر و عمیق‌تر و پایدارتر است و راحت‌تر می‌توان ارزش‌ها را در اذهان آن‌ها نهادینه کرد.

حس هویت بخش هر اثر بیان کننده ارزش معنوی آن اثر است. هر میراثی تفسیری از فرهنگ، ارزش‌ها و عقاید مشترک یک جامعه است که خود بیانگر ارزش اجتماعی است. ماندگاری و قدمت هر اثر را می‌توان ارزش تاریخی آن اثر تلقی کرد، و چون هر اثری منحصر به فرد و دارای هویت است بنابراین آن اثر بیان کننده ارزش اصالت است. پس علاوه بر موارد ذکر شده دربند (۱-۳) با باز دیدهای علمی نیز می‌توان کودکان را با اهمیت این ارزش‌ها آشنا نمود و آن‌ها را در حفظ این ارزش‌ها تربیت کرد. این آشنایی شروع خوبی است زیرا کودکان را به گذشته‌ای ملموس می‌برد و برایشان زمینه سخن گفتن درباره تفاوت‌های ارزش‌ها و میراث‌ها را در گذشته و حال فراهم می‌کند و آن‌ها را وادار به پرسش، جست‌وجو و مشاهده دقیق و سپس مقایسه می‌کند. آن‌ها به کمک تاریخ می‌توانند روابط دنیای جدید را درک کنند و دریابند که چگونه امروز متأثر از دیروز شکل گرفته و چه درس‌هایی برای آینده دارد. می‌توان فرهنگ حفاظت از میراث گران‌بها را در کودکان نهادینه کرد که نه تنها اثرات مثبت این آموزش در ذهن کودکان نقش می‌بندد بلکه به واسطه آن‌ها والدین و سایر اعضای مرتبط با کودکان نیز آگاه شده و ملزم به رعایت می‌شوند.

همچنین کودکان زمانی که با فرهنگ و تاریخ آشنا شوند و لزوم حفاظت از آن را بیاموزند به طور یقین در بزرگسالی نیز به فرهنگ و تاریخ همه مناطق احترام خواهند گذاشت و همیاران خوبی برای این میراث گران قدر خواهند بود. این امر مهم هر چند به سرعت محقق نخواهد شد ولی گامی مثبت است تا در سال‌های آینده به نتیجه مطلوب خویش برسند.

پی‌نوشت‌ها

۱. حدیث نبوی: «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»

2. Bloom
3. Simpson

منابع

- ایسار، یود هیشتر راج. ۱۳۸۷. میراث فرهنگی و چالش‌ها و ضرورت‌ها. ترجمه داوود حیدری. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی آینده پویان.
- بین، رینولد، و هریس کلمز. ۱۹۸۶. آموزش مسئولیت به کودکان. ترجمه پروین علی پور. ۱۳۸۶. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- تراسی، دیوید. ۱۳۹۳. اقتصاد و فرهنگ. ترجمه فرهاد کاظمی. تهران: انتشارات نی.
- توحیدی، فائق. ۱۳۸۰. آشنایی با میراث فرهنگی. تهران: انتشارات و تولیدات فرهنگی.
- خیرالسادات، اکرم السادات، و حسین مهدی پور. ۱۳۹۳. نقش پتانسیل‌های معماری محیط روستا در راستای بهبود نیازهای آموزشی کودکان. مقاله ارائه شده در نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی، فارس.
- رنجبر، هادی، علی اکبر حق دوست، مهوش صلصالی، علیرضا خوشدل، محمدعلی سلیمانی، و نسیم بهرامی. ۱۳۹۱. نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۰(۳): ۲۳۸-۲۵۰.
- سیف، علی اکبر. ۱۳۸۸. روانشناسی پرورشی نوین تهران: نشر دوران.
- قائینی، زهره. ۱۳۸۵. گام به گام با تاریخ. تهران: انتشارات موسسه پژوهشی تاریخی ادبیات کودکان.
- کول، ونیتا. ۱۳۸۳. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. ترجمه فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات علوم تربیتی.
- مفیدی، فرخنده. ۱۳۸۳. آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- رفیعی، آنا. ۱۳۹۳. لزوم آموزش میراث فرهنگی به کودکان. <http://Nameneews.ir/fa/News/135514> (دسترسی در ۹۵/۹/۷).
- Bloom, B.S. 1956. Taxonomy of educational objectives. cognitive domain. New York: Mckay